

اعلامیه مطبوعاتی

غزه فریاد می‌زند، اسلام فرمان یاری می‌دهد و امت آماده است؛ اما حاکمان با پرچم هویت ملی، شمشیر جهاد را در نیام نگه داشته‌اند تا کی این خیانت؟!

(ترجمه)

در سایه ادامه جنگ نسل‌کشی وحشیانه‌ای که رژیم جنایت‌کار یهود در غزه و کرانه باختری به راه انداخته و با پشتیبانی جهانی، به‌ویژه امریکا و تباری حاکمان سرزمین‌های اسلامی-به‌ویژه سرزمین‌های همجوار فلسطین- صورت می‌گیرد، فریاد ملت‌هایی که خون در رگ‌های‌شان به جوش آمده، در قالب تظاهرات و راهپیمایی‌ها بلند شده و خواستار حرکت ارتش‌های امت برای یاری برادران‌شان در غزه هستند. این صداها را رژیم‌های حاکمی که در برابر مطالبات مردمی کوتاهی کرده‌اند، نگران ساخته است؛ چنان‌که با سرکوب، بازداشت، محاکمه و در عین حال با ادعای آزادی بیان به مقابله با این مطالبات برخاسته‌اند. برخی از این حکومت‌ها نیز از صدای فردی که این کوتاهی رسی را محکوم کرده، استفاده رسانه‌ای کرده و آن را احساسی جلوه داده‌اند، آن‌هم تحت عنوان خدشه وارد شدن بر هویت ملی تا احساسات ملت واحد مسلمان را تحریک کرده و نگاه‌شان را از دشمن اصلی یعنی رژیم وحشی یهود و امریکا منحرف کنند.

در همین راستا، نخست‌وزیر اردن، رئیس مجلس نمایندگان، اعضای مجلس سنا و گروهی از نویسندگان و علمای درباری نظام سیاسی به سخن‌سرایی در مورد تعرض به «هویت ملی» و «نهادهای ملی» و توهین به نقش «مشرفانه» آن‌ها پرداخته‌اند. نخست‌وزیر صراحتاً گفته است: «هرگز اجازه نمی‌دهیم که نقشه‌ها و تصمیم‌هایی خارج از سیاست‌ها و اهداف ملی ما به ما تحمیل شوند، یا منافع عالی ما -که فقط دولت آن را تعیین می‌کند- قربانی شود». رئیس مجلس نیز گفته است: «اجازه نخواهیم داد کسی به نماد ارتش تعرض کند». این‌ها همه تلاشی است از سوی نظام سیاسی گرفتار در بحران در اردن برای خاموش ساختن صدایی که پرده از تباری آن با رژیم یهود و امریکا برمی‌دارد! آنگاه که امت سراسر درد و اندوه، از آنان مطالبه می‌کند تا به فرمان الله سبحانه و تعالی گردن نهند و ارتش‌ها را به حرکت درآورند یا دست‌کم مرزها را برای جهاد در راه الله سبحانه و تعالی باز کنند.

این نظام برای توجیه سکوت و همکاری‌اش، پشت ارتشی پنهان می‌شود که خودش مانع حرکتش شده است. در حالی‌که مردم اردن به ارتش خود و توانایی‌های نظامی‌اش ایمان دارند و به آمادگی‌اش برای دفاع از سرزمین‌های مسلمانان و یاری برادران‌شان در فلسطین اعتماد دارند. از این رو، همچنان ارتش را خطاب قرار می‌دهند و به تحرک برای یاری اهل غزه و فلسطین فرا می‌خوانند.

نظام سیاسی اردن از آغاز مسیر سیاسی‌اش، به صراحت رژیم یهود را با معاهده وادی عربیه به رسمیت شناخته و نه تنها با آن نمی‌جنگد؛ بلکه از مرزهای شرقی‌اش نیز دفاع می‌کند. این نظام به‌طور فعال با رژیم یهود توافق‌های اقتصادی و امنیتی را دنبال می‌کند؛ توافقی‌هایی که حتی در جریان جنگ بر غزه نیز متوقف نشده‌اند. در عین حال، اردن روابط امنیتی، نظامی و اقتصادی نزدیکی با امریکا دارد و آن را ستون اصلی امنیت ملی -و حتی بقای وجودی خود- می‌داند.

در نتیجه این رژیم میان دو فشار گرفتار آمده است: از یک‌سو، مطالبات سیاسی امریکا مانند کوچاندن مردم فلسطین، الحاق کرانه باختری به رژیم یهود و نابودی غزه و از سوی دیگر، تهدید به قطع کمک‌های مالی و توسعه‌ای سالانه امریکا. همچنان فشار افکار عمومی و مطالبات مردمی برای یاری غزه از طریق حرکت ارتش‌ها، اخراج پایگاه‌های امریکایی و لغو توافقی‌ها با رژیم یهود. اما این نظام همواره جانب رژیم یهود و خواسته‌های سیاسی امریکا را گرفته است، حتی اگر این کار به قیمت فروپاشی کیان وجودی اردن تمام شود.

برخی از صداها می‌گویند که با تکیه بر واقعیت کنونی سیاسی اردن به توجیه این وضعیت و پذیرش آن پرداخته‌اند، خود نتیجه مستقیم سیاست‌های وابسته‌گرایانه همین حاکمان‌اند؛ سیاست‌هایی که از استعمار بریتانیا آغاز شد و اکنون به وابستگی کامل به امریکا رسیده است. کسانی که واقعیت موجود را معیار تعیین هدف و راهبرد قرار می‌دهند، سرانجامی جز همرنگی با همین وضعیت موجود ندارند؛ اما آنان نیز از خشم امت در امان نخواهند ماند، چرا که در کنار حاکمانی قرار گرفته‌اند که با یهود هم‌پیمان شده‌اند. نباید فراموش کرد که پیامبر الله صلی الله علیه و سلم نیز از چنین واقع‌گرایی‌هایی که امروز نام «ناممکن» بر آن می‌نهند، آغاز نکرد، بلکه فرمود:

«يَا عَمُّ، وَاللَّهِ لَوْ وَضَعُوا الشَّمْسَ فِي يَمِينِي، وَالْقَمَرَ فِي يَسَارِي عَلَى أَنْ أَتْرُكَ هَذَا الْأَمْرَ حَتَّى يُظَاهِرَهُ اللَّهُ أَوْ أَهْلِكَ فِيهِ، مَا تَرَكْتُهُ»

ترجمه: ای عمو! به الله سوگند اگر خورشید را در دست راست من بگذارند و ماه را در دست چپم تا از این کار دعوت به اسلام (دست بردارم، هرگز آن را ترک نمی‌کنم تا الله آن را پیروز گرداند یا در این راه جان دهم.

ای اهل اردن، ای مسلمانان! دعوت‌های رسمی رسانه‌ای و دولتی که با شعارها و عناوین فریبنده‌ای چون «منافع اردن» و «اهداف ملی ما» مطرح می‌شوند، تنها زمانی راستین و صادق‌اند که در چارچوب نظامی اسلامی و ربانی صورت گیرند که همه احکام اسلام را به‌طور کامل اجرا کند؛ نه نظامی سکولار که اسلام را از حکومت طرد کرده و نمی‌خواهد اسلام در زندگی ما جایگاهی داشته باشد. نمونه زنده و آشکار آن، رأی اخیر مجلس نمایندگان اردن است که با افزودن عبارت «با رعایت احکام شریعت اسلامی» به پیش‌نویس قانون کمیته ملی اردن برای امور زنان مخالفت کرد، با اینکه این عبارت به‌تنهایی حتی اجرای شرع هم محسوب نمی‌شود!

پس شما را مباد که از شمار زیاد مبلغان گمراه‌کننده و ناامیدساز که در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها مردم را می‌ترسانند و به سوی دعوت حاکمان فرا می‌خوانند، هراسان شوید؛ چراکه اینان خود در گمراهی‌اند و در آنچه هستند نابودشدنی‌اند. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا ذَلِكَ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا اللَّهَ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: 75]

ترجمه: این تنها اهریمن است که شما را از دوستان خود (با پخش شایعات و سخنان بی‌اساس) می‌ترساند؛ پس (از آنجا که شما به الله ایمان دارید، بی‌بالک و دلیر باشید و) از آنان مترسید و از من بترسید اگر مؤمنان (راستین) هستید.

ای مسلمانان در اردن! فسادها جز با انجام واجبات شرعی ریشه‌کن نمی‌شوند، نه با تعطیل کردن آن‌ها. جهاد در راه الله، هرچند با فداکاری‌ها و شهادت همراه باشد، تنها راه برای دفع تجاوز، آزادسازی سرزمین‌های اشغالی مسلمانان و در رأس آن مسجد الاقصی، بیت المقدس و تمام فلسطین است. در مقابل، تسلیم شدن و پذیرش وضعیت موجود، همان بلایی است که مصیبت‌ها و بدبختی‌ها را بر سر امت اسلامی آوار کرده است و در رأس این بدبختی‌ها، فقدان دولت خلافت قرار دارد.

پس بر ما مسلمانان واجب است که ایمان راستین در دل‌هایمان جای گیرد، تنها به حکم الله سبحانه و تعالی گردن نهیم و احکام ساخت بشر و قوانین پارلمانی را شریک او نسازیم. باید به قدرت الله ایمان داشته باشیم و هیچ‌کس جز او را دوست و ولی نگیریم و یقین داشته باشیم که جنگ با یهود و آمادگی برای آن تنها راه پیروزی و تمکین در زمین است. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْتَاقُلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ (۳۸) إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلَ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [التوبة: 38 و 39]

ترجمه: ای مؤمنان! چرا هنگامی که به شما گفته می‌شود: (برای جهاد) در راه الله حرکت کنید، سستی می‌کنید و دل به دنیا می‌دهید؟ آیا به زندگی این جهان به جای زندگی آن جهان خوشنودید؟ (و فانی را بر باقی ترجیح می‌دهید؟ آیا سزد که چنین کنید؟) تمتع و کالای این جهان در برابر تمتع و کالای آن جهان، چیز کمی بیش نیست. اگر برای جهاد بیرون نروید، الله شما را (در دنیا با استیلاي دشمنان و در آخرت با آتش سوزان) عذاب دردناکی می‌دهد و (شما را نابود می‌کند و) قومی را جایگزین‌تان می‌سازد که جدا از شمايند (و پاسخگوی فرمان الله اند و در اسرع وقت دستور او را اجرا می‌نمایند. شما بدانید که با نافرمانی خود تنها به خویش‌تان زیان می‌رسانید) و هیچ زبانی به الله نمی‌رسانید (چرا که الله بی‌نیاز از همگان و دارای قدرت فراوان است) و الله بر هر چیزی توانا است (و از جمله بدون شما هم می‌تواند اسلام را پیروز گرداند و همچنین شما را از بین ببرد و دسته فرمانبرداری را جانشین شما کند).

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر-ولایة اردن